

## درسهای بدیهی برلین

منصور حکمت

نتایج محاکمات نمایشی پرونده کنفرانس برلین و احکام حبس و تبعید طویل‌المدتی که بر سر عده ای از ملایم‌ترین منتقدین حکومت اسلامی نازل کردند، یک چیز را ثابت میکند و آن حقانیت سیاسی آن آزادیخواهان و انقلابیونی است که سالن کنفرانس برلین را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی به لرزه درآوردند و طرح آلمانی-دوخردای بازاریابی بین‌المللی برای اسلام و رژیم اسلامی را نقش بر آب کردند.

با اولین پرخاشهای راست به شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین، حتی قبل از حضور کسی به "دادگاه"، برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان، از نیرومند و بنیاد هاینریش بل تا سحابی و رئیس دانا و جلالی پور، فلسفه تشکیل کنفرانس را عیان کردند. این پروژه ای در خدمت عادیسازی و گسترش روابط غرب با ایران بود. گفتند این پیشنهاد دولت آلمان بود. میخواستند برای سفر قریب الوقوع خاتمی به آلمان در افکار عمومی زمینه سازی کنند، میخواستند اپوزیسیون را تست کنند، ساکت کنند، قرار بود چهره قابل‌هضمی از رژیم اسلامی ترسیم کنند. "دیالوگ انتقادی" قرار بود به بار بنشیند. نوبت گسترش معاملات بانکی و بده بستان پسته و اسلحه رسیده بود. گفتند وزارت اطلاعات و مقامات حکومتی کاملاً در جریان این کنفرانس بوده‌اند، گفتند خودشان اجازه داده‌اند و کار را تسهیل کرده‌اند. گفتند برای خدمت به نظام اسلامی به کنفرانس رفته بوده‌اند و گفتند این خدمت را به شایستگی انجام داده‌اند.

دوم خردادی‌ها در کنفرانس برلین قرار بود تصویری از یک ایران دیگر و یک جمهوری اسلامی دیگر بدهند که باید در برابر مخالفان نظام مورد دفاع و پشتیبانی غرب قرار بگیرد. یک جمهوری اسلامی تماماً "لبخند" و "چهره پرندگان"، جایی که آخوندهای بی‌آزار با چهره‌های نورانی و با عباهای نازک حریر دست در دست هم، سبکبال در چمنزارها دنبال شاپرکها میدوند و کلکسیون تمبر جمع میکنند و اینترنت یاد میگیرند. جایی که پاسدارها دستهای خونی‌شان را شسته‌اند و دیگر برای فستیوال‌ها فیلم میسازند و فلسفه میخوانند، جایی که زنان، اگرچه هنوز بخاطر "فرهنگ خویش" چادرشان را سفت لای دندان گرفته‌اند، با اجازه شوهر از بام تا شام فمینیسم و دوچرخه سواری میکنند. ایرانی "مدنی" و سرشار از "تسامح و تساهل" و "جاهت قانونی". قرار بود بگویند سپاهیان سلحشور اصلاحات اسلامی قوه مجریه را دارند و اکنون در یک قدمی فتح قلعه مقننه‌اند، و این دیگر همه چیز را فیصله میدهد. اینها به برلین رفته بودند تا لبخند خاتمی و اجازه نشر مجلات پاسدارهای سابق را بعنوان گشایش سیاسی و آزادی بیان و جامعه مدنی در اروپا بفروشند، رفته بودند مضحکه مجلس اسلامی را یک پارلمان قانونی قلمداد کنند، رفته بودند سلاخی مخالفان حکومت را به گردن باند‌ها و محافل متفرقه بیاندازند و از جمهوری اسلامی ایران و رهبر و رئیس‌جمهور و مجلس و مقننه و قضائیه و کابینه و وزارت اطلاعات و حقوق‌بگیران نظام‌شان رفع مسئولیت کنند. رفته بودند نسل‌کشی‌ها و اعدام‌ها و سنگسارها، گورهای بدون نشان، کارگران بدون معاش، زنان بدون حق، جوانان بدون آینده،

کودکان تباه شده، اعتقادات سرکوب شده، صداهاى خفه شده، بی حقوقی مطلق انسان در صحن جامعه و متن قوانین و چرخش مرگبار شمشیر قصاص و سببیت اسلامی در تمام زندگی و ذهن شهروندان این کشور بختک زده را پشت شمایل مقوایی یک آخوند مرتجع و لفاظی های بی ارزش در مورد "اسلام مدرن" مخفی کنند. اینها رفته بودند در برلین از جمهوری اسلامی دفاع کنند، برایش تبلیغ کنند، مخالفان حکومت اسلامی را عقب برانند.

تلاش کردند، اما نتوانستند. برعکس، کنفرانس برلین به صحنه یک اعتراض و افشاگری عظیم علیه کل موجودیت رژیم اسلامی و دولت آلمان و "اپوزیسیون" مرتجع موثلف رژیم بدل شد. بازماندگان نسل کشتار شده، آزادیخواهان و مقدم بر همه کمونیستها این خیمه شب بازی را برچیدند. حقایق حاکمیت ارتجاع اسلامی و استبداد خونین در ایران را جلوی چشم همه گرفتند. خواست اکثریت عظیم مردم ایران، یعنی سرنگونی حکومت اسلامی، را فریاد کردند. پروژه تبلیغی دهها میلیون مارکی دولتی ایران و آلمان را خنثی کردند.

مقامات آلمان و بنیاد هاینریش بل و بهمن نیرومند و شرکاء، میگویند از احکام محکمه اسلامی "شوکه" شده اند! اما مگر این همان حقیقتی نبود که میخواستند به ضرب پلیس آلمان جلوی بیانش را بگیرند. این حقیقت که در رژیم اسلامی از آزادی بیان و اندیشه خبری نیست، که آدمها را بجرم فکر کردن میکشند و بجرم جشن گرفتن میزنند و سیاه میکنند. مگر از اعدامها و شکنجه های این بیست سال، از سنگسارها، از قتل های دزدکی جوخه های مرگ آقای رهبر و وزارتخانه های آقای رئیس جمهور بیخبر بوده اند. مگر صدها نفر در همان کنفرانس فریاد زدند که آزادی تنها با برچیدن این نظام ممکن است، که دوم خرداد بال دیگر همین حکومت است، که حتی پالان این حکومت هم عوض شدنی نیست.

احکام محکمه اسلامی پرونده برلین ربطی به شرکت و اظهار نظر این افراد در آن کنفرانس ندارد. (بعضی مانند صدر و رستمخانی اصلا کاری در این کنفرانس نداشتند). این احکام ربطی به اعتراض مخالفان حکومت در سالن کنفرانس برلین و عکس العمل این سخنرانان در قبال آن وقایع ندارد. نوارهای ویدئویی کنفرانس برلین گواه این است که اغلب متهمین جانانه از حکومت اسلامی شان در ایران دفاع کردند. نه فقط این، بلکه کسانی نظیر سحابی، رئیس دانا، جلاتی پور و اشکوری، و برخی دیگر، چه قبل از تشکیل پرونده، در جراید و سخنرانی ها و چه در دفاعیات خود، باز آزادیخواهان و انقلابیون سرنگونی طلب و حزب کمونیست کارگری و رهبرانش را آماج شدیدترین حملات و ترور شخصیت قرار دادند، کوچکترین ابایی از این نداشتند که ما را "عامل اجانب" بخوانند و عملا فتوای اعداممان را طلب کنند. اساسا اگر کنفرانس برلین چیزی را نشان جناح راست داد، وفاداری دوم خردادی ها به نظام بود.

و طنز ماجرا اینجاست که اگر اینها حکم سنگین زندان گرفته اند، دقیقا به همین خاطر است. این عده قربانیان آرامش فعال اند. قربانیان بن بست دوم خرداد و اصلاح طلبی اسلامی، قربانیان تلاش ابلهانه برای تعدیل رژیم و جلوگیری از تغییر آن. در فاصله کنفرانس برلین تا صدور حکم محکمه برلین، دوم

خرداد به انتهای خط رسید. حباب اصلاح طلبی اسلامی ترکید. اینها اسرای جنگی اند. رهبرانشان واداده اند، استراتژیست هایشان گیر کرده اند، نیروهایشان منهزم شده اند. انجمن اسلامی دانشجویان ایلام راست میگوید، اگر کسی قبلا جایی بر سر چیزی ایستادگی کرده بود، افشاری و سحابی امروز در زندان نبودند.

حتی مقامات آلمانی و دوستان شوک زده ایرانی شان خوب میدانند که تروریسم دولتی و محاکمات صحرائی و قصاص اسلامی و اعدام و شکنجه در ایران بیست سال است که حتی یک روز قطع نشده. خود پرونده برلین را از جمله برای ماستمالی پرونده یک زنجیره قتل دولتی سر هم کردند. در همین فاصله محکمه برلین، ۸۰۰ نفر را به اعدام و سنگسار محکوم کرده اند و کشتن ها را شروع کرده اند. چند صد نفر را بجرم جشن گرفتن سال نوی میلادی گرفتند و شلاق زدند و سیاه کردند. این واقعیات ایران اسلامی خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی است.

محکومین محکمه نمایشی برلین باید فوراً آزاد بشوند. برای ما این بخشی از یک مبارزه وقفه ناپذیر برای سرنگونی رژیم کثیف اسلامی و رهایی همه قربانیان آن است. این مبارزه است که اکنون با سرعتی بیسابقه نیرو میگیرد. آنها که امروز در کنفرانس برلین حقایق را گفتند، جای شایسته خود را در راس تحولات سیاسی تاریخساز ایران پیدا میکنند.